



درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۷ مهر ۱۳۹۷

موضوع جزئی: معنای نکاح - الف) معنای لغوی

مصادف با: ۱۹ محرم ۱۴۴۰

سال اول

جلسه: ۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بسم الله الرحمن الرحيم

کتاب النکاح و هو من المستحبات الأكيدة، و ما ورد فی الحث علی ترکہ ممّا لا یحصی کثرة، فعن مولانا الباقر(ع) قال: «قال رسول الله(ص): ما بنی بناء فی الإسلام أحبّ إلی الله عزّ و جلّ من التزویج»، و عن مولانا الصادق(ع): «رکعتان یصلیهما المتزوج أفضل من سبعین رکعة یصلیها عزب».

وجوه اهمیت بحث نکاح

بحث در کتاب نکاح به دلایلی واجد اهمیت است.

۱. این موضوع و این باب، از ابواب مبتلا به است؛ یعنی کثیری از مردم بلکه جُلّ الناس به نوعی با مسأله نکاح درگیر هستند. بنابراین خود این موضوع و فروعاتی که در این باب مطرح می‌شود، از مسائل بسیار مهم و مبتلا به است.
 ۲. مسأله دیگر که اهمیت بحث از کتاب نکاح را مضاعف می‌کند، این است که این باب مشتمل بر مسائل مستحدثه زیادی است؛ مسائلی در این باب مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که جدید و نو پیدا است و به یک معنا بعضاً از مشکلاتی است که امروزه باید به آن پرداخته و در مورد آن بحث شود.
 ۳. مسأله دیگر، تطوّرات و تحولات اجتماعی است که در دنیای معاصر پدید آمده و مقوله خانواده را که به تبع ازدواج شکل می‌گیرد، مورد تهدید قرار داده است. ما امروزه به دلایل و بهانه‌های مختلف می‌بینیم که بنیان و پایه‌های خانواده و ازدواج، مورد تهدید قرار می‌گیرد.
 ۴. نهایتاً امر دیگری که بحث از این مسأله و موضوع را واجد اهمیت می‌کند، این است که خود این سنت در بین مسلمین کم‌کم دارد مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد؛ مشکلات و موانع زیادی بر سر راه ازدواج وجود دارد. بسیاری از افراد به خاطر مشکلات و ترس از فقر در حال رویگردانی از این امر هستند.
- لذا ما بحث نکاح را به این دلایل انتخاب کردیم و البته تقاضای بعضی از دوستان در سال گذشته نیز بود. مخصوصاً مسائل مهمه‌ای که ولو مستحدث نیست وجود دارند که رجوع دوباره و بحث لازم دارد؛ در این کتاب در مورد مسأله حجاب و حدود آن بحث می‌شود. نظر به اجنبیه، مصافحه با اجنبیه، نکاح با صغار؛ الان ازدواج با غیر بالغین موضوع مهمی است که مسأله روز است. تعدد ازواج، نکاح منقطع یا متعه. بسیاری از مسائلی که در کتاب النکاح مورد بررسی قرار می‌گیرد، از مسائل مهم و مبتلا به و بحث انگیز است. امیدواریم به مدد الطاف الهی و عنایات حضرت بقیة الله الاعظم و إن شاء الله همراهی شما عزیزان و سروران، بتوانیم این مباحث را کما هو حقّه به پیش ببریم.

مثل سایر بحث‌های فقهی، بنای ما بر این است که کتاب تحریر را به عنوان متن قرار می‌دهیم. شاید در مسأله نکاح این مطلب که تحریر متضمن برخی از فروع جدیدتر است، بیشتر خودش را نشان دهد؛ هر چند عروة الوثقی از جهت کثرت فروع در بسیاری از موارد و ابواب فقهی، از تحریر برتر است. اما تحریر الوسیله به خاطر اشتغال آن بر برخی از مسائل مستحدثه، رجحان دارد. به هر حال بنای ما این بوده که در این مسأله، اثری از آثار امام را مورد توجه قرار دهیم.

امام(ره) ابتدائاً مقدمه‌ای را در این بخش ذکر می‌کنند و بعد هم شروع می‌کنند به بیان برخی از مسائل. البته خیلی از مسائلی که در ابتدای تحریر و در ابتدای عروه در کتاب النکاح آمده، بحث انگیز نیست؛ لذا ما از آن‌ها به سرعت عبور می‌کنیم. مانند برخی از مستحبات مربوط به نکاح و خصوصیات که برای انتخاب همسر باید در نظر گرفته شود، خیلی بحث‌های استدلالی ندارد.

مقدمه

اما در مورد مقدمه‌ای که امام(ره) ذکر کرده‌اند، نکاتی وجود دارد که ما این نکات را إن شاء الله بیان خواهیم کرد. اساس این مقدمه بر بیان استحباب نکاح است؛ روایات و آیاتی ذکر شده اما برای اینکه این مقدمه کامل تر شود، امور دیگری را هم ضمیمه می‌کنیم تا مقدمه جامع‌تری در ابتدای کتاب نکاح بیان کنیم. لذا چند امر در مقدمه کتاب نکاح مورد بررسی قرار می‌گیرد که چه بسا اکثر این‌ها را امام(ره) در این جا متعرض نشده است.

امر اول: معنای نکاح

اولین مسأله، معنای نکاح است. در این متن، بحثی از معنای نکاح به میان نیامده ولی به دلیل اینکه خود این عنوان و مشتقات آن، در لسان شرع یعنی در آیات و روایات کثیراً استعمال شده، به ناچار ما معنای نکاح را باید بررسی کنیم. البته وجه اینکه ما این معنا را مورد بررسی قرار می‌دهیم، این است که علاوه بر لزوم آشنایی با این واژه، اگر این لفظ در آیه و روایتی، بدون قرینه استعمال شد، ما بدانیم این واژه را بر چه معنایی حمل کنیم. در بسیاری از مواضع، الفاظ با قرینه استعمال می‌شوند اما گاهی ما شک می‌کنیم که این واژه بر چه معنایی حمل شود؛ اصلاً معنای آن چیست؟ چون الفاظ معنای حقیقی و مجازی دارند. اگر ما معنای حقیقی را بدانیم، عند فقد القرینه، لفظ را بر معنای حقیقی آن حمل می‌کنیم. لذا بحث از معنای نکاح، در واقع بحث از یک مرجع است برای اینکه در زمان شک بدانیم لسان دلیل را بر چه معنایی حمل کنیم. این واژه هم در لغت و هم در شرع باید مورد رسیدگی قرار گیرد.

الف) معنای لغوی

درباره معنای نکاح نزد لغویین اختلاف بسیار است؛ اقوال متعدد و کثیر در معنای نکاح ذکر شده است. اگر بخواهیم این اقوال را در دو دسته کلی قرار دهیم، دسته‌ای از اقوال مبتنی بر این هستند که این واژه و این لفظ، از یک معنای دیگری اخذ شده است. دسته دوم، کسانی هستند که معتقدند این لفظ از واژه دیگری اخذ نشده است. کسانی که معتقدند لفظ نکاح از معنای دیگری اخذ نشده، خود این‌ها چند قول و نظر دارند؛ من فهرست‌وار به این اقوال اشاره می‌کنم و از هر کدام از این اقوال، نمونه‌ای را ذکر می‌کنم؛ و الا اگر بخواهم همه اقوال لغوی‌ها را در اینجا ذکر کنم، زیاد است.

دسته اول: غیر مأخوذ از معنای دیگر

۱. برخی معتقدند معنای نکاح، همان وَطَى است. صاحب تهذیب اللغة می گوید: «قلت اصل النکاح فی کلام العرب الوطى و قيل للتزویج نکاحاً لأنه سببٌ للوطى المباح».^۱ اصل نکاح در کلام عرب، همان و طى است؛ و طى یعنی آمیزش؛ اصلاً نکاح یعنی آمیزش. اگر به تزویج هم عنوان نکاح اطلاق می شود برای این است که تزویج سبب برای آمیزش و و طى مباح است. یعنی کأن معنای حقیقی نکاح، و طى است و به علاقه سببیت و مسببیت، در نکاح استعمال شده است؛ اطلاق السبب و ارادة المسبب.

۲. نظر دیگر این است که معنای نکاح، تزویج است و نه و طى و آمیزش. مثلاً در لسان العرب این طور نقل می کند: «نکح فلان امرأة ینکحها نکاحاً إذا تزوجها».^۲

۳. برخی معتقدند نکاح به معنای عقد است؛ فرق است بین عقد و تزویج. البته ممکن است از کلمه عقد، همان تزویج اراده شده باشد اما گاهی عقد به خصوص همان عقد انشائی گفته می شود، یعنی همان انکحت و قَبِلْتُ. در اینجا معین نکرده اند که منظور از عقد، عقد انشائی است؛ اگر این باشد، غیر از تزویج است. اگر منظور از عقد، خصوص عقد انشائی [یعنی ایجاب و قبول] نباشد، آن وقت می توان گفت این همان معنای تزویج است.

به هر حال تعابیر مختلف است؛ برخی گفته اند معنای نکاح، تزویج است و برخی دیگر گفته اند، معنای نکاح، عقد است. مثلاً «معجم مقاییس اللغة» نکاح را این چنین معنا کرده است: «النکاح یكون العقد دون الوطى»^۳، نکاح عبارت است از عقد و نه و طى. وقتی گفته می شود «یقال نکحت تزوجت و انکحت غیرى». البته کلمه عقد در اینجا چه بسا ظهور در همان معنای تزویج دارد و نه خصوص عقد انشائی. بعید هم هست کسانی که کلمه عقد را در معنای نکاح ذکر کرده اند، نظرشان به خصوص عقد انشائی باشد، یعنی همان الفاظ ایجاب و قبول. بلکه اصل زوجیت، اصل تزویج، اصل عُلقه ای که بین زن و مرد ایجاد می شود، مقصود است. پس نکاح یعنی همان تزویج.

۴. در بعضی تعابیر، کلمه «بُضع» در معنای نکاح ذکر شده است. صاحب کتاب العین و برخی دیگر، نکاح را به معنای بضع دانسته اند. «نکح ینکح و هو البضع و یجری نکح ایضاً مَجْرَى التزویج».^۴ اگر بخواهیم بضع را معنا کنیم، مثل همان و طى است؛ یعنی نزدیک تر به معنای و طى تا عقد و تزویج. اما به نظر ایشان در تزویج هم به کار می رود.

۵. برخی معتقدند معنای نکاح، هر دو یعنی هم و طى و هم عقد است. کما ورد فی القاموس: «النکاح الوطى و العقد له».^۵ البته جوهری نیز در صحاح اللغة نکاح را به معنای هر دو [وطى و تزویج] گرفته است.^۶

خلاصه: تا اینجا پنج نظر ذکر شد که ممکن است بتوان این پنج نظر را به طور کلی به سه نظر ارجاع داد. یکی اینکه معنای حقیقی نکاح، تزویج است. دوم اینکه معنای حقیقی نکاح، و طى است. سوم اینکه این لفظ، حقیقت در هر دو معنا [وطى و

۱. تهذیب اللغة، ج ۴، ص ۹۴.

۲. لسان العرب، ج ۲، ص ۶۲۵.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۷۵.

۴. کتاب العین، ج ۳، ص ۶۴.

۵. القاموس المحيط، ج ۱، ص ۳۴۹.

۶. صحاح اللغة، ج ۱، ص ۴۱۳.

عقد و تزویج]. از این برمی آید کأن این لفظ، بین این دو معنا مشترک است؛ یا به نحو اشتراک لفظی یا به نحو اشتراک معنوی.

این پنج نظر یا سه نظر، همه در این جهت مشترک هستند که ریشه این لفظ و کلمه، از چیز دیگری اخذ نشده است. این معنا همین است که الان از نکاح فهمیده می شود؛ در عرف و در ملل و نحل مختلف هم همین معناست. یک تطابقی وجود دارد بین معنای لغوی و معنای عرفی. اینطور نیست که یک معنای دیگری داشته و بعد نقل داده شده باشد به این معنا.

دسته دوم: مأخوذ از معنای دیگر

اما برخی معتقدند معنای حقیقی نکاح، یک معنای دیگری است، لکن نقل داده شده از معنای لغوی به این معنای اصطلاحی. چند معنا به عنوان معنای اصلی نکاح ذکر کرده اند.

۱. یک معنا، معنای غلبه است؛ گفته اند لغتاً نکاح به معنای غلبه است؛ چنانچه در مصباح المنیر هم نقل کرده، البته نه اینکه خودش معتقد به این باشد بلکه نقل کرده: «النکاح مأخوذٌ من نکحه الدواء إذا خامره و غلبه»، اگر دواء غلبه پیدا کند بر او، می گویند نکح. آن وقت تناسب بین معنای لغوی و اصطلاحی و عرفی، اینجا معلوم است. لغتاً نکاح یعنی غَلَبَ. آن وقت این واژه آمده در زوجیت و تزویج و وطی و امثال اینها استعمال شده؛ چون در زوجیت و وطی یک نوع غلبه وجود دارد. و به این اعتبار، این لفظ را در اینجا استعمال کرده اند.

۲. معنای دومی که گفته شده، «ضَم» است؛ انضمام و ضمیمه شدن. كما يقال: «تتاکحت الاشجار إذا ضَمَّ بعضها الى بعض»^۱، اینجا وقتی می گویند اشجار تتاکح پیدا کرده اند، یعنی منضم به هم شده اند. تناسب معنای لغوی و عرفی در اینجا همین است؛ لغتاً نکاح به معنای انضمام است. آن وقت آمده اند این لفظ را در تزویج و وطی نیز به کار برده اند؛ چون آنجا هم یک نوع انضمام وجود دارد؛ زوجیت، انضمام زن و مرد است. در وطی نیز این هست؛ یک نوع انضمام وجود دارد. این هم تناسب معنای لغوی و اصطلاحی.

۳. معنای دیگری ذکر شده برای نکاح و آن هم اعتماد است؛ چنانچه گفته می شود: «نکح المطر الارض اذا اعتمد علیها»^۲؛ وقتی می گویند «مطر نکح الارض»، زمین را نکاح کرد، یعنی وقتی بر زمین اعتماد کرد یا وقتی با خاکش مخلوط شد یا با آثار و ثمرات آن، مخلوط شد.

سؤال:

استاد: این سه نظر می گویند معنای لغوی نکاح، یک چیز دیگری است.

اینجا هم تناسب معنای لغوی و اصطلاحی وجود دارد. وقتی زوجیت و وطی واقع می شود، کأن یک نوع اعتماد وجود دارد، اعتماد الزوج علی الزوجه یا اعتماد الزوجه علی الزوج.

جمع بندی معنای لغوی نکاح

۱. مصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۲۴.

۲. مصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۲۴.

۳. تهذیب اللغة، ج ۴، ص ۶۴.

به هر حال در یک جمع بندی می‌توان گفت به طور کلی در مورد معنای نکاح، نزد لغویین اختلاف کثیر وجود دارد. مثل بعضی از الفاظ نیست که یک معنای روشنی داشته باشد و همه آن را نقل کرده باشند. اختلاف در یک سطح اختلاف اساسی است؛ لغویین دو گروه هستند. از کلمات برخی از اینها استفاده می‌شود که نکاح در واقع به معنای غلبه یا ضم یا اعتماد، ولی از این واژه و از این لفظ در معنای زوجیت و آمیزش و وطی، به جهت تناسبی که بین اینها وجود دارد، استفاده شده است.

لغماً نکاح اخذ شده از یک معنای دیگر. غلبه چه ربطی به زوجیت دارد؟ انضمام و اعتماد، این‌ها ریشه‌های لغوی نکاح است. بعد عرف آمده این لفظی را که به معنای غلبه یا اعتماد یا انضمام است، این را به جهت تناسبی که با مسأله زوجیت داشته، در معنای زوجیت هم به کار برده است؛ در معنای آمیزش هم به کار برده است.

پس دسته اول کسانی هستند که معتقدند لفظ نکاح، حقیقتاً به معنای زوجیت و آمیزش و وطی نیست؛ این به معنای دیگر است، مثل غلبه، انضمام و اعتماد. ولی به جهت مناسبتی که با مسأله زوجیت و وطی و آمیزش داشته، این آمده نقل داده شده و در این امر هم استعمال شده است.

دسته دوم کسانی هستند که اساساً می‌گویند لفظ نکاح از ابتدا برای آمیزش، عقد، وطی و تزویج وضع شده است.
سؤال:

استاد: نمی‌توان بر این‌ها استدلال اقامه کرد؛ لغویین بر اساس استقرائی که انجام داده‌اند معنای الفاظ و واژه‌ها را نوشته‌اند. پس بین لغویین دو سطح اختلاف است؛ یک اختلاف در اینکه آیا اساساً معنای لفظ نکاح از یک واژه دیگر اخذ شده یا اینکه از واژه دیگر اخذ نشده است. باز در بین هر دو گروه، اختلاف است. به هر حال نتیجه آن‌چه که ما گفتیم و گزارشی که از موضع اهل لغت درباره معنای نکاح ارائه دادیم این است که اگر بخواهیم هر دو اختلاف را با هم ضمیمه کنیم، نتیجه و جمع بندی این می‌شود که آن بین لغویین اختلاف شده در اینکه آیا لفظ نکاح وضع شده برای عقد بخصوص، یا تزوج بخصوص، به نحوی که اگر در وطی و آمیزش استعمال شود، استعمال مجازی می‌شود. یا اینکه لفظ نکاح برای وطی وضع شده است؛ حقیقت در وطی است و اگر در تزویج و عقد استعمال شود، استعمال مجازی می‌شود. یا اینکه اساساً این لفظ برای هر دو وضع شده است؛ به نحوی که اگر در تزویج استعمال شد، این استعمال حقیقی است و اگر در آمیزش هم استعمال شد، باز هم این استعمال حقیقی است؛ به نحو اشتراک. این اشتراک می‌تواند اشتراک لفظی یا اشتراک معنوی باشد. یا اینکه اساساً لفظ نکاح نه برای تزویج یا عقد وضع شده و نه برای وطی وضع شده، بلکه برای معنای دیگری وضع شده؛ ممکن است این معنای دیگر، ضم باشد یا غلبه یا اعتماد باشد. بنابراین وقتی در وطی و عقد و تزویج استعمال می‌شود، این استعمال مجازی است.

پس مجموعاً این اختلافات بین اهل لغت وجود دارد که معنای نکاح چیست. من دقیقاً اختلافاتی که بین اهل لغت وجود داشت را دسته بندی کردم و برای شما ذکر کردم و بعد هم فارغ از آن دسته بندی، یک جمع بندی کلی از انظار و آراء اهل لغت درباره کلمه نکاح خدمت شما عرض کردم.

سؤال:

استاد: اینجا یا باید خودمان اهل لغت باشیم و بررسی کنیم و به عنوان اهل فن داوری کنیم. یا به اعتبار صاحبان کتب لغوی نظر کنیم. بالاخره در بین این کتاب‌ها، برخی معتبرتر از برخی دیگر هستند. این جهد و تلاش مخصوصاً در جایی مهم است که از نظر لغوی ما نیاز داشته باشیم معنا را دقیقاً بدانیم. اما آنچه که اینجا الان مهم است، معنای نکاح شرعاً است. باید ببینیم این معنا در شرع همان چیزی است که در لغت آمده یا نه.

مجموعاً این اختلافات وجود دارد. آنچه لغویین گفته‌اند، موارد استعمال است. بنای اهل لغت، تفکیک مجاز و حقیقت نیست؛ اهل لغت معمولاً استعمالات لغات را ذکر می‌کنند که این لفظ در چه معنایی استعمال شده است. البته از نظر ترتیب معمولاً معنای شایع‌تر [که حقیقی است] اول ذکر می‌کنند و بعد به ترتیب به سراغ معانی غیر حقیقی می‌روند. چون استعمال اعم از حقیقت و مجاز است؛ ممکن است یک لفظی در یک معنایی مجازاً استعمال شود و شایع هم باشد.

علی‌ای حال آنچه لغویین ذکر کرده‌اند، استعمالات این لفظ را گفته‌اند و آنچه ما می‌توانیم به عنوان نتیجه روی آن تکیه کنیم، این است که این لفظ، این دو معنا را قطعاً دارد: ۱. آمیزش و وطی ۲. تزویج و زوجیت. حالا کدام حقیقت است و کدام مجاز؟ یا اینکه اساساً هر دو حقیقت است به نحو اشتراک لفظی، این مطلبی است که برخی از فقها در این رابطه اظهار نظر کرده‌اند. ما نظر آن‌ها را باید ببینیم؛ مثل مرحوم علامه، نراقی، شهید ثانی. باید ببینیم آن‌ها درباره معنای نکاح چه گفته‌اند و بعد از آن به سراغ کاربرد این لفظ در کتاب و سنت برویم؛ ببینیم در قرآن و روایات به چه معنا آمده است.

«الحمد لله رب العالمین»